

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ویجی پراشاد
فرستنده: عثمان حیدری
۲۵ مارچ ۲۰۱۹



ویجی پراشاد

۱۲ گام برای تحمیل «تغییر رژیم»



آنچه که در سال ۱۹۷۳ در چیلی رخ داد درست همان چیزی است که ایالات متحده آمریکا در بسیاری از کشورهای نیمکره جنوبی امتحان کرده است. اکنون ونزوئلا هدف حمله اخیر دولت آمریکا و سرمایه کلان غربی قرار گرفته است. آنچه که در این کشور می‌گذرد یک روند نادر و غیرعادی نیست. در اینجا حمله‌ای از طرف ایالات متحده و همپیمانانش صورت می‌گیرد که از گذشته در کشورهای بسیار دور مثل اندونزی و یا جمهوری دموکراتیک کنگو هنوز

بخوبی در خاطره‌ها حاضر است. وقت آن رسیده که علیه دخالت خارجی و کوشش برای «تغییر رژیم» به پا خیزیم. هیچ راه میانی وجود ندارد.

روز ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۰ ریچارد نیکسون و مشاور امنیت ملی او هنری کیسینجر به دولت امریکا اجازه دادند هر چه در توان خود دارد برای جلوگیری از به قدرت رسیدن دولت سوسیالیستی رئیس‌جمهور سالوادور آلنده به کار گیرد. بر اساس یادداشت‌های رئیس وقت سازمان "سیا" «ریچارد هلمز»، نیکسون و کیسینجر قصد داشتند اقتصاد چیلی را «به گریه درآورند» و در این راه «ابائی از پذیرائی پی‌آمدهای آن نداشتند». آن‌ها حتا یک جنگ را، اگر به سرنگون کردن دولت آلنده می‌انجامید، مناسب می‌دانستند. سازمان "سیا" پروژه خود را به نام FUBELT که برای بی‌ثبات کردن مخفی کشور در ابتدا با ۱۰ میلیون دالر تأمین ارزی شده بود، آغاز کرد.

NLF MR Case No. 89-38
Document No. # 10

17 September 1970

MEMORANDUM FOR THE RECORD

SUBJECT: Genesis of Project FUBELT

1. On this date the Director called a meeting in connection with the Chilean situation. Present in addition to the Director were General Cushman, DDCI; Col. White, ExDir-Compt; Thomas Karamessines, DDP; Cord Meyer, ADPP; William V. Broe, Chief WH Division; [redacted] Deputy Chief, WH Division, [redacted] Chief, Covert Action, WH Division; and [redacted] Chief, WH/4. 1.3(a)(4)

2. The Director told the group that President Nixon had decided that an Allende regime in Chile was not acceptable to the United States.. The President asked the Agency to prevent Allende from coming to power or to unseat him. The President authorized ten million dollars for this purpose, if needed. Further, The Agency is to carry out this mission without coordination with the Departments of State or Defense.

3. During the meeting it was decided that Mr. Thomas Karamessines, DDP, would have overall responsibility for this project. He would be assisted by a special task force set up for this purpose in the Western Hemisphere Division. [redacted] 1.3(a)(4)

4. Col. White was asked by the Director to make all necessary support arrangements in connection with the project.

5. The Director said he had been asked by Dr. Henry Kissinger, Assistant to the President for National Security Affairs,

وقتی آلنده روز ۱۱ جولای ۱۹۷۱ معادن مس کشور را ملی کرد، شرکت‌هایی مانند کنسرن مخابراتی بزرگ ITT و کنسرن تولید کننده نوشابه پپسی و همین‌طور انحصارهای استخراج مس چون «آناکوندا» و Kennecott در امریکا دست به دامن دولت امریکا شدند. مردم چیلی این روز را به نام «روز عزت ملی چیلی» جشن گرفتند. سازمان "سیا" با

بخش‌هایی از نیروهای نظامی که می‌دانست با آئنده مخالف اند، رابطه برقرار کرد. سه سال بعد روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ ارتش علیه آئنده کودتا کرد و آئنده در این کودتای «تغییر رژیم» جان خود را از دست داد. هنری کیسینجر که در آن زمان مشاور امنیتی نیکسون بود گفت که ایالات متحده آمریکا «تنها شرایط لازم را فراهم آورد.» و نیکسون اضافه کرد: «شرط بازی این‌طور است.» و کانگستر سالاری بین‌المللی نیز درست به همین شکل است. برای چیلی شب یلدای دیکتاتوری که کشور را در اختیار ایالات متحده آمریکا نهاد، آغاز شد. مشاورینی برای تقویت کابینه ژنرال آگوستو پینوچیت از آمریکا به چیلی اعزام شدند.

- K: Nothing of very great consequence. The Chilean thing is getting consolidated and of course the newspapers and bleeding because a pro-Communist government has been overthrown.
- P: Isn't that something. Isn't that something.
- K: I mean instead of celebrating - in the Eisenhower period we would be heros.
- P: Well we didn't - as you know - our hand doesn't show on this one though.
- K: We didn't do it. I mean we helped them. _____ created the conditions as great as possible(??)
- P: That is right. And that is the way it is going to be played. But listen, as far as people are concerned let me say they aren't going to buy this crap from the Liberals on this one.
- K: Absolutely not.
- P: They know it is a pro-Communist government and that is the way it is.
- K: Exactly. And pro-Castro.
- P: Well the main thing was. Let's forget the pro-Communist. It was an anti-American government all the ~~wild~~ way.

آنچه که در سال ۱۹۷۳ در چیلی رخ داد درست همان چیزی است که ایالات متحده آمریکا در بسیاری از کشورهای نیمکره جنوبی امتحان کرده است. اکنون ونزوئلا هدف حمله اخیر دولت آمریکا و سرمایه کلان غربی قرار گرفته است. آنچه که در این کشور می‌گذرد یک روند نادر و غیرعادی نیست. در اینجا حمله‌ای از طرف ایالات متحده و همپیمانانش صورت می‌گیرد که از گذشته در کشورهای بسیار دور مثل اندونزی و یا جمهوری دموکراتیک کنگو هنوز بخوبی در خاطره‌ها حاضر است.

فلمنامه این حمله بسیار کلیشه‌وار است. برای اجرای آن یک طرح ۱۲ مرحله‌ای برای ایجاد جو لازم جهت اجرای کودتا لازم است تا نهایتاً نظمی پدید آورد که در خدمت غرب و کنسرن‌های بزرگ غربی باشد.

«مارکو روبیو» روز ۲۴ جولای ۲۰۱۹ در توئیتر خود نوشت: «بزرگترین خریداران نفت ونزوئلا شرکت «والرو انرژی و شرکت شورون» هستند. پالایش نفت خام از ونزوئلا اشتغال گسترده‌ای را در کرانه‌های خلیج ایجاد کرده

است. به خاطر منافع این کارگران امریکائی امیدوارم که آن‌ها از هم‌اکنون با دستگاه اداری رئیس‌جمهور گوایدو همکاری کنند و همکاری با رژیم غیرقانونی مادورو را قطع نمایند.»



Marco Rubio ✓
@marcorubio

Follow

Biggest buyers of Venezuelan oil are [@ValeroEnergy](#) & [@Chevron](#). Refining heavy crude from [#Venezuela](#) supports great jobs in Gulf Coast.

For the sake of these U.S. workers I hope they will begin working with administration of President Guaido & cut off illegitimate Maduro regime.

7:34 AM - 24 Jan 2019

2,156 Retweets 3,088 Likes



1.0K 2.2K 3.1K

مرحله اول: تله‌های کلونیالیسم

بخش‌های گسترده نیم‌کره جنوبی گرفتار ساختارهایی هستند که از طرف استعمار به آن‌ها تحمیل شده است. استعمار دور مناطقی که دچار این بدشانسی بوده اند، که به ویژه فقط یک محصول مهم صادر می‌کردند، حصار کشید. این محصول مثلاً در کوبا نیشکر و در ونزوئلا نفت است. از آنجا که این کشورها قادر نبودند اقتصاد خود را بر پایه‌های گسترده‌ای بنا سازند، درآمد خود را عمدتاً به وسیله این محصول فراهم می‌نمودند. ۹۸ درصد درآمد ونزوئلا از صادرات نفت تأمین می‌شود. اگر قیمت این محصول در بازارهای بین‌المللی بالا باشد، درآمد کشور تأمین خواهد بود و اگر قیمت‌ها سقوط کند، درآمد کشور به خطر می‌افتد. و این از پی‌آمدها و میراث به جای مانده کلونیالیسم است. قیمت نفت از جون ۲۰۰۸ تا جنوری ۲۰۱۹ از ۱۶۰,۷۲ دلار در ازای هر بشکه به ۵۱,۹۹ دلار سقوط کرد و از این رو درآمد ونزوئلا نیز طی ده سال گذشته سال به سال کمتر شد.

مرحله ۲: تلاشی نظم اقتصادی بین‌المللی نوین

در سال ۱۹۷۴ کشورهای نیمکره جنوبی تلاش کردند تا اقتصاد جهانی را بر پایه‌های نوینی استوار سازند. آن‌ها خواستار تأسیس نظم اقتصادی جهانی شدند که از طریق آن‌ها بتوانند خود را از یوغ وابستگی به تنها یک محصول رها سازند و اقتصاد هر کشور را بر پایه وسیع و گسترده‌ای بنا کنند. قرار شد برای مواد خام معدنی چون نفت و بوکسیت کارتل‌هایی پدید آید تا کشورهایی که تنها این تک‌محصول را صادر می‌کنند تا اندازه‌ای بتوانند روی قیمت‌گذاری آن مؤثر واقع شوند. سازمان اوپک که در سال ۱۹۶۰ تأسیس شده بود پیشکسوت این نوع کارتل‌ها بود ولی تأسیس کارتل‌های جدید مجاز شناخته نشد.

با ریزش اوپک در ۳۰ سال گذشته دیگر این امکان برای اعضای این سازمان از جمله ونزوئلا که دارای بزرگترین ذخایر نفتی در سطح جهان است وجود نداشت که قیمت نفت را کنترل کنند. اکنون مدتی است که همه این کشورها محتاج رحم و مروت کشورهای پر قدرت اصلی شده اند.

مرحله ۳: مرگ کشاورزی در نیمکره جنوبی

در نوامبر سال ۲۰۰۱ در کره زمین ۳ میلیارد دهقان کوچک و خرده‌پا و کارگر کشاورزی وجود داشت. در آن زمان در دوحه، قطر همایش سازمان تجارت جهانی تشکیل شد تا بارآوری کشاورزی در نیمکره شمالی علیه این چند میلیارد دهقان و کارگر کشاورزی آزاد گردد. به دنبال مکانیزه کردن و صنعتی شدن پلانتاژهای بزرگ در امریکای شمالی و در اروپا بارآوری سرانه بین ۱ تا ۲ میلیون کیلو غله افزایش یافته بود. در مقابل بارآوری سرانه دهقانان و کارگران کشاورز بقیه جهان ۱۰۰۰ کیلو غله می‌شد. در نتیجه بارآوری آن‌ها حتی ذره‌ای قابلیت رقابت با امریکا و اروپا را نداشت. سمیر امین نوشت: به دنبال تصمیمات دوحه نابودی دهقانان خرده‌پا و کارگران کشاورزی رقم خورد. سرنوشت این زنان و مردان چه بود؟ در غرب در هر هکتار تولید بیشتری صورت می‌گرفت ولی تحقیقات P. Sainath محقق «تری کنترینتال» نشان می‌دهد که تصاحب کشاورزی از طرف کنسرن‌ها باعث می‌شود که تعداد بیشتری از مردم با گرسنگی روبه‌رو گردند، زیرا دهقانان مجبور خواهند بود زمین‌های خویش را ترک کنند و با خطر مرگ از گرسنگی مواجه شوند.

مرحله ۴: فرهنگ تاراج

سلطه غرب انحصارها را بی‌پروا می‌کند که دیگر خود را موظف به رعایت قانون ندانند. همان‌طور که «کامبالا موساوالی» و من در مورد جمهوری دموکراتیک کنگو نشان دادیم از درآمد سالانه این کشور که بالغ بر ۶ میلیارد دلار است به طور منظم همه ساله ۵۰۰ میلیون دلار به وسیله کنسرن‌های استخراج مواد کانی که در کانادا نشسته اند، کاسته می‌شود (در ضمن کانادایی که اکنون به گروه شاکیان ونزوئلا تعلق دارد!) با محاسبات کج و کوله و قلابی و دور زدن از پرداخت مالیات این نوع شرکت‌های بزرگ (در کانادا: Suncor, Barrick, Agrium) به طور منظم میلیاردها دلار این کشورهای فقیر شده را به جیب می‌زنند.

مرحله ۵: افزایش بدهی به عنوان شیوه زندگی

وقتی از درآمدهای ناشی از فروش تنها محصول صادراتی کاسته شد و کشاورزی ویران گردید و فرهنگ تاراج، رشد و توسعه پیدا کرد، در مقابل کشورهای نیمکره جنوبی چاره دیگری جز از متوسل شدن به نهادهای مالی بین‌المللی برای تأمین بودجه باقی نمی‌ماند. طی ده سال گذشته هر چند بدهی کشورهای نیمکره جنوبی بیشتر شد ولی با این وجود

بازپرداخت این بدهی‌ها نیز ۶۰ درصد افزایش یافت. به دنبال افزایش قیمت محصولات صادراتی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ بدهی کشورهای نیمکره جنوبی کاهش یافت ولی از سال ۲۰۱۰ با کاهش قیمت‌ها مجدداً رو به بالا رفت. صندوق بین‌المللی پول مشخص کرده که در بین ۶۷ کشور فقیر جهان که زیر نظر است، بدهی ۳۰ کشور بیش از اندازه شده که دو برابر بیش‌تر از سال ۲۰۱۳ است. در مورد آنگولا ۵۵,۴ درصد صادرات نفت تنها صرف بازپرداخت بدهی‌ها می‌شود. آنگولا نیز مانند ونزوئلا یک کشور صادرکننده نفت است. کشورهای دیگر نیز از جمله غنا و چاد و گابون و ونزوئلا نسبت به تولید ناخالص ملی با نرخ بازپرداخت بالایی روبه‌رو هستند. در بین ۵ کشور با درآمد کم ۲ کشور در شرایط اضطراری مالی به سر می‌برند.

مرحله ۶: پایان بخشیدن به امور مالی دولتی

به دلیل درآمد ناچیز و نرخ پائین مالیات‌ها امور مالی دولتی در کشورهای نیمکره جنوبی دچار بحران شده است. به طوری که کنفرانس ملل متحد در مورد توسعه و تجارت مشخص کرد: «امور مالی دولتی کماکان خفه می‌شود.» کشورهای مربوطه دیگر نمی‌توانند پول کافی برای تضمین کاربری‌های اساسی دولت تأمین کنند. به خاطر شروط تعیین شده در مورد بودجه متعادل، پرداخت وام و اعتبار نیز مشکل‌تر می‌شود و همین‌طور به دلیل افزایش ریسک برای بدهی‌ها، بهره و ام‌های اعتباری افزایش می‌یابد.

مرحله ۷: کاهش شدید بودجه امور اجتماعی

دولت‌ها هنگامی که دیگر نتوانند نیازهای مالی خود را تأمین کنند و مجبور به تسلیم در مقابل بازارهای بین‌المللی مالی باشند، چاره دیگری جز تقلیل بودجه امور اجتماعی کشور نخواهند داشت. فرهنگ و بهداشت و تأمین و تضمین مواد غذایی و ایجاد تلون در رشته‌های مختلف اقتصادی همه و همه عقب خواهد ماند. نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول این کشورها را مجبور به انجام «رفرم» می‌کنند که به معنای از دست دادن استقلال آن‌ها است. کشورهایی که مقاومت می‌کنند معمولاً زیر فشار شدید بین‌المللی قرار می‌گیرند و همان‌طور که در مانیفست حزب کمونیست در سال ۱۸۴۸ آمده بود: «جزایشان نابودی است.»

مرحله ۸: نیاز اجتماعی؛ مهاجرت را به دنبال خواهد داشت

۶۸,۵ میلیون انسان امروز در راه اند. جمعیت این کشور «مهاجران» بعد از تابلند و قبل از بریتانیا دارای رتبه ۲۱ در جهان است. مهاجرت در سطح جهان واکنشی نسبت به تلاشی کشورها از این سو تا آن سوی جهان است. مهاجرت از ونزوئلا ویژگی تنها این کشور نیست، بلکه واکنش طبیعی نسبت به بحران جهانی است. مهاجران از هندوراس به سمت ایالات متحده به سوی شمال و مهاجران غرب افریقا از طریق لیبیا به سوی اروپا در چارچوب این اکسودوس جهانی در حرکت اند.

مرحله ۹: چه کسی مشخص می‌کند که به مردم چه باید گفت؟

رسانه‌های انحصاری کنسرن‌ها دستورات خود را از خبرگان دریافت می‌کنند. جایی برای احساس همدردی با بحران ساختاری که دولت‌هایی چون افغانستان و ونزوئلا و کشورهای نظیر با آن روبه‌رو هستند، در نظر گرفته نشده است.

رهبرانی که به فشار غرب گردن می‌نهند رسانه‌ها در اختیار آن‌هاست و اگر رفرم‌ها را اجراء کنند، در وضعیت خوبی به سر خواهند برد. کشورهائی که در مقابل «رفرم‌ها» مقاومت می‌کنند باید پیله حمله را به تن خود بمانند. رهبران آن‌ها «دیکتاتور» نامیده خواهند شد و مردمشان به گروگان خواهند رفت.

یک انتخابات بحث‌برانگیز در بنگله دیش و یا جمهوری دموکراتیک کنگو و یا ایالات متحده آمریکا دلیلی برای «تغییر رژیم» نخواهد بود. تنها ونزوئلا است که با رفتار متفاوت و ویژه‌ای روبه‌رو است.

مرحله ۱۰: واقعاً رئیس‌جمهور چه کسی است؟

عملیات برای تغییر رژیم آنجا آغاز می‌شود که کشورهای امپریالیستی مشروعیت یک دولت قانونی را زیر سؤال می‌برند، به این صورت که با وزنه ایالات متحده آمریکا شخصی را که انتخاب نشده «رئیس‌جمهور جدید» می‌نامند و تئوریتاً رهبر منتخب را تضعیف می‌کنند. کودتا اینجاست که کشور پر قدرتی تصمیم می‌گیرد بدون انتخابات نماینده خود را به رهبری منصوب دارد. این فرد (در مورد ونزوئلا خوان گوایدو) باید فوراً اعلام کند که تسلیم ایالات متحده آمریکا است. کابینه باسماهی او که از نمایندگان دولت‌های گذشته با رابطه بسیار تنگ با ایالات متحده تشکیل شده (ریکاردو هاوسمان از دانشگاه هاروارد و یا مویزس نائیم از بنیاد کارنگی) فوراً مشخص خواهند کرد که همه چیز خصوصی‌سازی خواهد شد و به نام مردم ونزوئلا، خلق ونزوئلا به فروش خواهد رسید.

مرحله ۱۱: اقتصاد باید به گریه درآید

ونزوئلا از سال ۲۰۱۴ یعنی از هنگامی که کنگره آمریکا کلید زد، با تحریم‌های بسیار سنگینی از طرف این کشور روبه‌روست. سال بعد از آن رئیس‌جمهور بارک اوباما ونزوئلا را «تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا» اعلام کرد. رفته رفته اقتصاد به گریه افتاد. در روزهای اخیر ایالات متحده و بریتانیا و قیحهانه میلیاردها دلار سرمایه ونزوئلا را دزدیدند و تنها منبع درآمد این کشور (نفت) را به زنجیر تحریم کشیدند و سپس به نظاره نشستند که چگونه این کشور زیر این فشارها به لرزه درآمده است. آمریکا همین کار را نیز با ایران و کوبا انجام داد.

طبق آمار ملل متحد این تحریمات تاکنون ۱۳۰ میلیارد دلار خسارت به این جزیره کوچک کوبا وارد کرده است. ونزوئلا در اولین سالی که ترمپ از اگست ۲۰۱۷ تحریمات را به اجراء گذارده بیش از ۶ میلیارد دلار سرمایه کشور را از دست داده است و این مبلغ روزبه‌روز بیشتر می‌شود. لذا جای تعجب نیست که گزارشگر ویژه ملل متحد «ادریس جزایری» می‌گوید «تحریم‌هایی که باعث گرسنگی و از بین رفتن تأمین بهداشتی شود پاسخی به بحران در ونزوئلا نیست. ... و تحریم‌ها پایه و اساسی برای راهحل مسالمت‌آمیز مناقشات فراهم نمی‌کند. ... به ویژه نگرانی من از این است که در گزارشات هدف از اجراء این تحریم‌ها برکناری دولت ونزوئلا اعلام می‌شود.» او در گزارش خود خواهان احساس هم‌دردی با مردم ونزوئلا شد.

مرحله ۱۲: جنگ می‌تواند آغاز شود

مشاور امنیت ملی ترمپ آقای جان بولتون پلاکارد زردی در دست داشت که روی آن نوشته شده بود: «۵۰۰۰ سرباز در کلمبیا.» منظور او آن بخش از نیروی نظامی ایالات متحده بود که در کلمبیا کشور همسایه ونزوئلا مستقر است. کماندوی جنوبی ایالات متحده آماده است. آن‌ها برزیل و کلمبیا را تحریک می‌کنند تا وارد عرصه شوند. در حالی که جو آماده اجراء کودتا می‌شود یک تلنگر کوچک کافی خواهد بود و سپس جنگ می‌تواند آغاز گردد.

همه این چیزها غیرقابل اجتناب نیست. وقت آن رسیده که علیه دخالت خارجی و کوشش برای «تغییر رژیم» به پا خیزیم. هیچ راه میانی وجود ندارد.

<https://www.counterpunch.org/2019/02/05/the-12-step-method-of-regime-change/>

منبع: اوراق مارکسیستی
تارنگاشت عدالت